

تحریکات ضد توده‌ای و تبلیغات ضد شوروی زمینه‌ای است برای انجام توطئه‌های ضد انقلابی

- ۱- تجربه آموزنده تاریخ، تاریخی که زندگی روزمره انقلاب است
- ۲- حربه‌ای از زرادخانه امپریالیسم، که زنگ زده است، ولی متأسفانه هنوز کاراست
- ۳- هشیار باشیم! نفلطیدن در «تجارب» تحریکات ضد توده‌ای و تبلیغات ضد شوروی، عامل مهمی در نجات انقلاب است.

خواست است توطئه‌ای را علیه انقلاب مابراه اندازد، ضربه‌ای وارد آورد و انقلاب را به شکست و جمهوری اسلامی ایران را به نابودی بکشاند، همیشه و بدون استثناء، تدارکات را بسا حملات کور ضد توده‌ای و کارزار تبلیغاتی بر پایه ضد شوروی همراه کرده است. آنچه بر سر خلق‌ها میگذرد، نباید بقیه در صفحه ۳

به تاریخ سه‌ساله، پنجاه ساله لازم نیست برگردیم. اگر چه آنهم مشحون از درس‌های عبرت‌انگیز است. همین یکسال و نیم انقلاب هم، که دیگر فرا گرفتن از نقل قول‌ها و خواندن از روی کتابها نیست، کافی است تا نشان دهد که، هر بار امپریالیسم آمریکا، این سرکرده نیرو-های امپریالیستی و سازمان-دهنده عوامل ضد انقلابی

بدون تفسیر

در باره چین

قلب زاده: ماباید روابط خود را با چین خیلی وسیعتر و بهتر کنیم، زیرا در خیلی از جبهات ما با چین در رابطه هستیم و چیزهای زیادی را می‌توانیم از آنها یاد بگیریم... (اطلاعات ۹ تیر ۵۹)

سرمقاله «جمهوری اسلامی»: چین دیگر امروز خود را به شکل سرپی برای نفوذ امپریالیسم در منطقه در آورده است و از دیرباز با نگاه طمع‌جویانه‌ای به هندوستان می‌نگریسته است. چین امروز میخواهد ارتش خود را به سلاحهای امپریالیسم مجهز کند. (۲۶ مرداد ۵۹)

در باره پاکستان

قلب زاده: اعتقاد ندارم پاکستان کاملا وابسته به آمریکا است... (کیهان ۴ تیر ۵۹)

امام خمینی: مشکل مسلمین، حکومت‌های مسلمین است... پاکستان مکر از مشکلات مسلمین نیست... (اطلاعات ۱۹ مرداد ۵۹)

حجت‌الاسلام احسان یخسار: (نماینده امام جبهت بررسی وضع سفارتخانه‌های ایران در پاکستان و هند): «بدون هیچ تردیدی پاکستان وابسته به آمریکا است... (نامه مردم - نقل از روزنامه جنگل - ۱۶ مرداد ۵۹)

احمد ملازاده نماینده گناباد: «داستان ما تا امروز سیاست قلب زاده را نفهمیده‌ایم. اگر واقعا او از اسلام دفاع میکند، پس چرا در پاکستان از ضیاع الحق جانبداری کرده حریف‌های او در کنفرانس اسلام آباد بنظر دفاع از امپریالیسم بود تا از مسلمانان... (کیهان ۲۱ تیر ۵۹)

نهضت انقلاب اسلامی پاکستان: سفارت پاکستان در تهران وظیفه لانه جاسوسی آمریکا را انجام میدهد. امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا... امروزه با از دست دادن ایران بعنوان حامی امپریالیسم... و برای برگردن خلاء ایران و سرکوب مسلمانان میخواهد ضیاع الحق را جانتین «شاه» سازد و آقا شاهی را بجای «اردشیر زاهدی» مأمور فعالیت‌های تبلیغی و محرمانه خود در منطقه نماید... (نامه مردم ۲۶ تیر ۵۹)

حفظ جان رهبران انقلاب و شخصیت‌های انقلابی مذهبی و سیاسی یک وظیفه مهم و ضروری است

حادثه سقوط هلی کوپتر آقای بنی صدر رئیس‌جمهور خوشبختانه بخییر گذشت و ما از سلامتی ایشان صمیمانه خرسندیم.

ولی این حادثه از یکسو، و خبرهایی که از نقشه ضد انقلاب برای نابودی و ترور رهبران انقلاب، مسئولان جمهوری اسلامی ایران و شخصیت‌های انقلابی مذهبی و سیاسی میرسد، از سوی دیگر، بار دیگر مسئله حفظ جان رهبران انقلاب، مسئولان جمهوری اسلامی ایران و شخصیت‌های انقلابی مذهبی و سیاسی را، بعنوان یک وظیفه مهم و ضروری، در دستور کار ارگان‌های امنیتی و انتظامی قرار میدهد.

ما امیدواریم و انتظار داریم که هشدارهای مکرر ما در این زمینه، و همچنین حوادثی که تاکنون روی داده، مورد توجه فوری و جدی مسئولین امر قرار گیرد. باید قبل از آنکه فاجعه‌ای پیش‌آید، تدابیر فوری، جدی و اساسی اتخاذ کرد.

تجاوز نظامی جزء «طبیعت سیاسی» امپریالیسم آمریکاست

- جک اندرسن، روزنامه‌نگار آمریکایی فاش کرده است که: نظامیان آمریکا طرحی برای یک حمله گسترده و قوی نظامی علیه ایران برای کارتر تهیه دیده‌اند. این عملیات ظاهراً برای نجات گروگانها تنظیم شده است، اما در واقع برای تلافی شکست نظامی آمریکا در طیس و کسب حیثیت کارتر است.
- مقامات رسمی وزارت دفاع آمریکا پذیرفته‌اند که عملیاتی تحت نام رمز «جشم مشیت ۸۰» وجود دارد.
- تجاوز نظامی جزء «طبیعت سیاسی» کارتر است. جک اندرسن، روزنامه‌نگار آمریکایی

پایین اعتراف، که تأیید تمام خبرهای دیگر درباره تدارک توطئه جدید بزرگ آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، مقامات مسئول کشور مؤلفند که هر چه زودتر و قاطع‌تر شبکه‌های توطئه‌ها را اعم از نظامی، سیاسی و تبلیغاتی، کشف و سرکوب کنند. این خواست انقلابی مردم ایران است.



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۱۰
دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۵۹، ۱۵ بهار ۱۳۵۹

دستگاه دولت را، از سطح وزرا تا پائین، با انقلابیون متعهد، کاردان و متخصص

مجهز کنیم

کارشناسان، در صورتیکه مخالف انقلاب شگوهند ایران باشند، استفاده کند. کاردانی و تخصص هرگز ملاک عمده انتخاب در جامعه انقلابی نیست. عناصر غیر انقلابی، مشکوک، فاسد و زیانکار باید از مقامات حساس مملکتی برکنار شوند و بجای آنها باید از نیروهای انقلابی جوان، متعهد و کاردان، بوسعت و با جرات بدون خودمخوری بینی و انحصارطلبی، بدون تنگ‌نظری گروهی، ولی با ملاک عمده تمهد به انقلاب و وفاداری به تحکیم جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد. تنها از این راه است که نظام جمهوری اسلامی ایران میتواند کاردهای انقلابی متعهد، کاردان و متخصص خود را پرورش دهد. بدون پرورش چنین کاردهای انقلابی متعهد، کاردان و فعال در همه سطوح مدیریت، نمیتوان وظایف خطیر را که در راستای انقلاب شگوهند ایران، تحکیم و گسترش دستاوردهای آن، قطع ریشه نفوذ امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، و تأمین و تضمین استقلال و آزادی، ترقی و رفاه همگانی در پیش است، با موفقیت، با حداقل زیان و حداکثر بهره پیاده کرد.

قوانین و تصمیمات مجلس است و باید هدفهای انقلاب را به فعل در آورد، تمام کرب از وزیران نیست. آنچه در این باره بسیار مهم است اینست که، استفاده از نیروهای متعهد انقلابی و گزینش افراد معتقد و در عین حال کاردان و متخصص نباید در سطح وزرا و اعضای کابینه متوقف گردد، زیرا همچنانکه نخست‌وزیر، هر قدر هم انقلابی، متعهد و کاردان باشد، به تنهایی به انجام وظایف خطیری که بویژه در شرایط پیچیده و دشوار کنونی در مقابل جامعه انقلابی ما قرار دارد، قادر نخواهد بود، بهمان نحو نیز وزرای مربوطه، هر قدر هم انقلابی، متعهد و کاردان و فعال باشند، بازم به تنهایی و بدون کمک افراد انقلابی شایسته، معتقد و صالح در سطوح مختلف نخواهند توانست وظایف محوله را به نحو احسن انجام دهند، تعیین شده برسند.

بطوریکه تجربه زندگی و مبارزه روزانه نشان میدهد، پاکسازی جدی و بنیادی دستگاه دولتی، که به‌ارث از رژیم طاغوتی باقی مانده است، و نوسازی آن هنوز هم کاملاً مبرم و ضروری است. نظام متحول جمهوری اسلامی ایران بپیچوجبه نمیتواند و نباید از بهترین متخصصین و صاحب‌نام‌ترین

این روزها که آقای رجائی نخست‌وزیر، به بررسی ترکیب هیئت دولت و تشکیل نخستین دولت رسمی جمهوری اسلامی ایران همت گماشته‌اند، بسیاری از مقامات مسئول مملکتی، مردم عادی، سیاستمداران و دیگران نظر خود را برآمون چگونگی هیئت دولت، برنامه آن و وزرای کابینه اظهار میدارند. واضح است که دولت جمهوری اسلامی ایران در جمع خود و در سیاست عمومی خود، و هر یک از وزرای آن به تنهایی و در بخش مربوط به خود، پیش از هر چیز باید عمیقاً به اهداف انقلاب ایران معتقد و متعهد باشند. این نخستین شرط اساسی و ضروری جهت انتخاب هر یک از وزرای یک دولت انقلابی است. در عین حال باید از آن دانست که در جامعه متحول کنونی ایران، افراد انقلابی متعهد و معتقد بی‌شک کم نیستند. لذا باید بین اینگونه انقلابیون معتقد و متعهد، از لحاظ کاردانی و تخصص، انرژی و نیروی فعال جوانی (چنانکه رهبران انقلاب، امام خمینی هم اشاره کرده‌اند) شایسته‌ترین آنها را برگزید. و ظاهراً در این زمینه است که آقای رجائی نخست‌وزیر، تاکنون مشغول بررسی، مشورت و مصلحت‌اندیشی ولی البته دستگاه دولتی، که مجری

امپریالیسم آمریکا با تشدید مسابقه تسلیحاتی و احیاء جنگ سرد، بشریت را با خطر جدی روبرو ساخته است

و گسترش همه انواع نیروهای مسلح و درنهایت نیز هوای هسته‌ای استراتژیکی را در نظر دارد. او بازم ادعاهای ناحق درباره سرگردگی آمریکا در جهان امروز را تکرار و تأکید کرد و تقریباً همه جهان را «منطقه منافع حیاتی» ایالات متحده آمریکا اعلام نمود.

بدین ترتیب کاملاً آشکار شد که برنامه کلی نظامی دولت کنونی آمریکا، سمت گسترش و تشدید همه‌جانبه مسابقه تسلیحاتی را پیش گرفته است. آن موقع مفسرین آمریکائی متذکر شدند که سخنرانی وزیر دفاع با تبلیغات انتخاباتی رئیس‌جمهور ارتباط داشته است، زیرا سردمدار پنتاگون، آقای براون، در نطق خود بشدت نظریات نظامی - سیاسی برنامه انتخاباتی حزب جمهوریخواه را مورد انتقاد قرار داده بود. در برنامه حزب جمهوریخواه کسب برتری نظامی آمریکا نسبت به شوروی اعلام شده است و در این ارتباط هارولد براون اعلام کرد که این ادعاها «غیر واقعی، ساده‌لوحانه و خطرناکند». اما در واقع اظهارات

ویران گردد. نظامیان آمریکا برای استفاده از درگوه اسلحه جدید، یعنی موشکهای استراتژیک سریع‌العمل «ام. ایکس» و موشکهای بالذات مجهز به بیگانهای هسته‌ای نیرومند، اهمیت ویژه‌ای قائلند. مطبوعات آمریکا و دیگر کشورها اطلاع دادند که رهبری نظامی و سیاسی آمریکا همواره به تهیه طرح‌هایی مشغول بوده‌اند که هدفش پیشدستی در وارد کردن ضربه هسته‌ای به اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است.

این طرح جنگ هسته‌ای آمریکا، که وزیر دفاع آن کشور نیز اعلام داشته است، در حقیقت بخشی از برنامه کلی نظامی است که امپریالیسم تجاوزکار و سلطه‌گر آمریکا دنبال میکند.

در حدود دو هفته پیش در شهر اوکلند، از استان کالیفرنیا، همین آقای هارولد براون سخنرانی ایراد کرد، که طی آن در واقع برنامه کلی نظامی دولت کنونی آمریکا را توضیح داد. او گفت: «از لحاظ یک دولت ابرقدرت احتیاجات ما در قسمت دفاع نظامی جنبه جهانی دارد». او متذکر شد که نقشه‌های نظامی آمریکا تحکیم

مطبوعات آمریکا و رسانه‌های گروهی جهان بارات هارولد براون، وزیر دفاع آمریکا را درباره نهای جنگ هسته‌ای آمریکا منتشر کردند. چه وزیر خارجه آمریکا، دنوولد ماسکی، فوراً این طرح‌ها اظهار بی‌اطلاعی کرد و رئیس‌جمهور بی‌کارتر هم گفت که گویا از طریق روزنامه‌ها از بد این نقشه‌ها آگاه شده است، معذالاً دیده بود که سردمداران مجتهدهای کلان نظامی - تنی آمریکا، که بیروزی بی‌دربی جنبش‌های نسبی ضد امپریالیستی خلق‌ها در دوران زدائی رادیده‌اند، سخت بهراس افتاده و در صدد ساد تشنج و وخامت در اوضاع بین‌المللی مده‌اند.

گزارش خبرگزاری فرانسیس از واشنگتن باز آنست که این اواخر کارتر رئیس‌جمهور کا خود رهنمود تازه‌ای را درباره آماج‌هاییکه که شوروی باید مورد ضربه هسته‌ای آمریکا گیرد، امضا کرده‌است. بقرار اطلاق، در این بد از نقشه‌های قبلی آمریکا صرف نظر نشده . در این نقشه‌ها در نظر گرفته شده‌است که ضربه هسته‌ای به آماج‌های نظامی و صنعتی بعد موثر واقع نشود. ۲۰۰ شهر شوروی باید

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

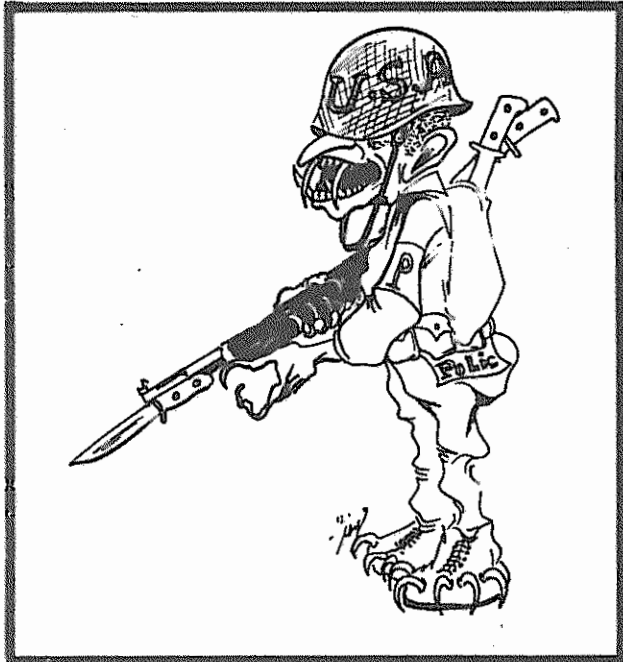
امپریالیسم امریکا...

بقیه از صفحه ۱
هارولد براون و رفتار بعدی خود او در جهت عکس این انتقادات او بود.
برنامه‌های نظامی دولت آمریکا، که اعلام کرده‌است، همچنین سستی که کاخ سفید برای گسترش و تشدید مسابقه تسلیحاتی پیش گرفته است، حاکی از آنستکه دولت کارتر هر چه از دستش برمیآید، برای تغییر دادن توازن نیروها در صحنه جهانی بین آمریکا و اتحاد شوروی بعمل میآورد. تا بتری نظامی برای خود بدست آورد.
در این ارتباط کافی است متذکر شویم که دولت آمریکا در سال مالی آتی (۱۹۸۱) مبلغ بیسیایقه‌ای معادل ۱۷۱۵ میلیارد دلار برای هزینه نظامی در نظر گرفته‌است.
تدارکات نظامی که واشنگتن در حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس می‌بیند، بخش ویژه‌ای از این مسابقه تسلیحاتی است. اظهارات وزیر دفاع آمریکا درباره اینکه در پنجاه آتی برای نیروهای مسلح امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس ساله میلیارد دلار هزینه در نظر گرفته شده‌است، حاکی از وجود نقشه‌های بدقت طرح بریزی شده و درازمدت جهت تجاوز به حقوق خلقها و تحمیل سلطه امپریالیسم، برکردگی امپریالیسم آمریکا در نقاط مختلف جهانست. این اصل درازمدت بودن در همه‌امالیکه دولت کارتر برای تشدید و خاست در منطقه وسیعی از سواحل شرقی آفریقا تا سواحل استرالیا انجام میدهد، بچشم میخورد. معاون وزیر دفاع آمریکا، کلیتوه اعلام داشت که از این پس پیاده‌نظام دریایی آمریکا، که جزء نیروهای واکنش سریعه هستند، بطور دائمی در حوضه اقیانوس هند و خلیج فارس موضع خواهند گرفت.
واشنگتن برای درازمدت و با دقت خاصی مشغول بررسی است که، پایگاه‌های جدید نظامی را بهتر است در کجا بنا کند: در مصر یا در

سومالی، در عمان یا در کنیا. بعبارت دیگر، امپریالیسم آمریکا، که بویژه در ربع قرن اخیر ضربات شدیدی از جنبش‌های رهایی بخش ملی چشیده و بسیاری از باصلاح رژیم‌های با ثبات دست‌نشانده خود، نظیر رژیم طاغوت شاه سابق را از دست داده است، اکنون سخت مشغول بررسی این نکته است که در کجا میتوان شانس بیشتری در مورد «ذبات» رژیمهای موجود داشت، که منافع حیاتی اکثریت قریب‌اتفاق کشورهای حوضه اقیانوس هند و خلیج فارس را زیر پا میگذارد.
مطبوعات ایران، هر روز اخبار زیادی درباره گسترش نیروهای نظامی آمریکا، که متوجه به نواحی نفت‌خیز خلیج فارس هستند، درج میکنند. چندی پیش یک گردان ۱۸۰۰ نفری پیاده‌نظام دریایی آمریکا، ۵ فروند ناو سربازبر از جمله یک ناو هلیکوپتر بنام دهاکودال کانال، وارد دریای عمان گردید. این اقدامات اخیر همه بخشی از تدارکات رسمی است که امپریالیسم، برکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه ایران و انقلاب شکوهمند آن دیده است.
اما تدارکات نظامی امپریالیسم آمریکا باین منطقه محدود نمیشود. قداره‌بندان امریکائی به توسعه پایگاه نظامی جزیره دیکو کارسیا پرداخته، فرودگاههای آنرا برای هواپیماهای حمل و نقل سنگین و بمب‌افکنهای ۵۲ و بنا در اسکله‌های آن جزیره را برای کنارگرفتن ناوهای بزرگ تجدید سازمان میدهند.
در این اواخر باصلاح باز دیده‌های ناوهای جنگی آمریکا از بنادر سنگاپور و تایلند بیشتر شده است. ناوگان هفتم و واحدهای پیاده‌نظام دریایی آمریکا مانورهای گسترده‌ای پیاده کردن نیرو در جزیره آکیناوارا اجرا کردند. بطوریکه روزنامه های ژاپن نوشتند، در این مانورها چنان عملیات نظامی تمرین میشد که بیسوجه نمیتوانست ارتباطی با «دفاع ژاپن» داشته باشد.
امریکا به بهانه «دفاع در مقابل خطر ویتنام»

توجه!

مقالات زیر، که در هفته گذشته در نامه مردم، انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفا توصیه میشود:
۱- انتظار مردم و نیروهای راستین



روی این کانتینرها علامت کشور اسرائیل ترسیم شده است، که بر ارضی میتوان با هر بیته کمی علامت آنها را پاک کرد و آرم جمهوری اسلامی را روی آنها ترسیم کرد و در اختیار شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی قرار داد. با توجه به حمل کلا از بنادر، که تنها یا کانتینر امکان پذیر است، مسئولین دولتی ۲۰۰ کانتینر از کشور آلمان غربی کرایه کرده‌اند که روزانه برای هر کدام ۵ دلار کرایه باید پرداخت شود. با وجود نیازی که به کانتینر است، جای تعجب است که مقامات جمهوری اسلامی چرا اکنون کانتینر های موجود در بندر امام خمینی د

در بندر امام خمینی، کالاهای بلا استفاده مانده اند

در حالی که حدود ۷۰۰ کانتینر، متعلق به شرکت کشتیرانی اسرائیلی، در بندر امام خمینی بلا استفاده مانده است مستولین دولتی ۴۰۰ کانتینر از کشور آلمان غربی وارد کرده‌اند، که روزانه برای هر کدام باید ۵ دلار کرایه پرداخت شود.
بر اساس اطلاع رسیده، در ترمینال «پرشین ولف»، واقع در بندر امام خمینی، حدود ۷۰۰ کانتینر، که متعلق به شرکت کشتیرانی زیم اسرائیل بوده بلا استفاده مانده است. صاحبان این کانتینرها، به علت کرایه زیادی که برای اقامت آنها در بندر باید بپردازند، آنها را رها کرده و رفته‌اند

شوم ضدانقلاب را عملی میکنند. در سایر شهرها، رفقای هوادار حزب را مضروب و مجروح و گاه زندانی کرده‌اند. در این میان ناگهان نامه شویده - الملحن، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران هم، بر اساس دروغ، افترا و توهمین به حزب توده ایران و اتحاد شوروی، منتشر میشود. جو مورد تمایل کارتر - برژینسکی اصلا پنهان کردنی نیست.
این زمینه چینی برای چه صورت میگیرد؟ کدام توطئه در شرف وقوع است؟ با کدام مرحله از توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا روبرو هستیم، که این روزها بازم شاهد تشدید تحریکات ضدتوده‌ای و تبلیغات ضد شوروی هستیم؟
اینها سئوالاتی است مربوط به سرنوشت انقلاب ما و سرنوشت جمهوری اسلامی ایران. بنظر ما شعله‌ور شدن مجدد این تحریکات و تبلیغات نشانه آن است که در آستانه توطئه جدید امریکائی قرار داریم، و تکوین این توطئه مورد تایید مقامات رسمی و مسئول و صدیق جمهوری اسلامی ایران نیز قرار گرفته است. پس بهوش باشیم! تجربه همه جهان بکنار، لااقل از ایران در نیم قرن و ربع قرن اخیر، لااقل از همین تجربه یسکال و نیمه پس از پیروزی انقلاب پند بگیریم. تاریخ میآموزد، اگر ما بیاموزیم. تاریخ معاصر دیگر روشن تر و دقیقتر از این نمیتواند بیاموزد. آیا ما خواهیم آموخت؟

توضیح

فریدی بنام علیرضا زارعی، در روز: «انقلاب اسلامی»، مورخ ۲۵ مرداد، اعلام کرده است که صاحب عک است که در «نامه مردم» مورخ مردادماه به چاپ رسیده است. همچنین افزوده است که افغانی نیست

تحریکات ضد...

بقیه از صفحه ۱
بهدر رود. مردم انقلابی حق ندارند به تجربیات خودشان بی‌اعتنا باشند و از رویدادهای پند نکیرند. انقلاب ما پیش از آن به امپریالیسم ضربات هولناک وارد کرده و منافع آن چنان عظیم را از انحصارات جهانخواه اسلحه فروشی و نفت بر و کالافروشی و روتور بر بمباران جدی آفکنده است، که بتوان بر روی دستاوردهای انقلاب به راحتی غنود و از یابیت توطئه‌های براندازی آسوده خیال ماند. ما باید حالا و سالدبا گوش‌بزرگ باشیم، دائما مترصد باشیم که از چه راه، چگونه، چه وقت و به دست چه کسانی امپریالیسم توطئه دیگری را علیه انقلاب ما، از برون و درون، از راه سیاست یا اقتصاد، از طریق مداخله یا خرابکاری، بسدست اشخاص شناخته شده یا اعمال انقلابی‌ها، سازمان خواهد داد.
برای هر توطئه‌ای، دشمن مکار و غدار ما، همواره زمینه چینی‌هایی می‌کند، یعنی تدارک لازم را می‌بیند و جو مورد نظر را بوجود میآورد و محیط مساعد را ایجاد میکند، و بر این زمینه، شکل ویژه توطئه خود را پیاده میکند. تجربه همین پاپ سال اخیر نشان میدهد - و خلق انقلابی ما و رهبران صدیق آن باید این تجربه را با احساس مسئولیت و بدون پیشداوری به‌بینه - که یکی از عناصر مهم هر زمینه چینی توطئه عبارت بوده‌است از تشدید تحریکات ضد توده‌ای و تشدید تبلیغات ضد شوروی.
آنها که سالدندترند، میدانند که در گذشته نیز همواره این عنصر پایدار و شیوه دائمی زمینه چینی توطئه‌های امپریالیستی بوده توسط سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا و اینتلینجس سرویس و گشتابوینتلی، توسط نظمی رضاخانی - ساواک محمدرضاخانی - همواره - مورد استفاده قرار گرفته است.
ایجاد این جو، یکی از نکات اساسی دستورالعمل برژینسکی از جانب کارتر رئیس‌جمهور آمریکا به وزارت خارجه این کشور است که ملی‌نامه محرمانه‌ای که یسکال پیش منتشر شد، که خود تدارک همان سیاست و شیوه قبلی امپریالیسم

